

March 13, 1992

والله اعلم بمرضه عز وجل  
حالا کی به شد منیدانم!

را به که در سنه ۱۳۷۰ یا ۱۳۷۱ سم د، آنهم محبت که بمن کرد در اون وقت و نه؛ در هر خواب را که  
منه دارم، داطات و سخت خواب را که بمن پیشی کنی کرده و رزق پیشی که آوردم در همه را  
ذاتش بودم؟ نه اینطور نیست من هنوز تازه آن جنب که با هم سپردم، دارم کارام  
و کتک کار کرد، در دهان من آب و گامی تنهایی بی اغیر بیاد آن دقایع، مخصوصاً  
بسی که در Season بودیم منضم، بیست و هفت بیاد آن عزیز هستم و دلم بواسط  
را سکنه، بیست و هفت داد عزیز و مهر بن را، چه و دگاری برون است که یاد آنرا  
خوشحال سکنه و کد سکنه این چه خوشبختی است که من را دارم بیگویم دارم چو سوز زرد  
دوست هم با او است، راه بر چه بخوایم احسانت خدمت نسبت بود و چه؟ زانوقت  
بهم بیادرم امکان ندارد، خدمت سیران دارم بگفتن نیست.

و اما راجع بخودم ادا برگزینم چینی به بود یعنی بعد از آنکه چایها برداز کردیم ساعت  
چینی گفتند یوا ایها چینی کرد که به برگردم و یک ساعت بعد از آنکه در زد نگاه بودیم -  
بعد ما را به یک نگاه بدانی دیگر زستانه دند و خدا بیادنه چه وقت بود و چند میل با از این  
گفته آن گفته زد نگاه رفتیم - روزی که شده یوا ایها مستی با به به لوس آنجلی و رفت  
به نیویورک - آخرت در نیویورک که نصف شب وارد شدیم به بریم در یک زد نگاه  
دیگر و بیک طیاره دیگر بیاییم لوس آنجلی، خلاصه چینی منته که گفت که بریم آمریک لوس آنجلی را آورد  
روزها بعد از آنکه آمد Sam Diego مریض شدم و در مریضانه ببت چینی چینی  
و صبح زودان، سه روز در بیمارستان بودم و آنقدر منته *the hospital* دادند که دیگر  
بسیار رستی نمانه، و تن نیم برید گفتم میخواهم بروم خانه و آم منزل، با دیگر تا کتون که  
بسیار از نگاه است هنوز حال خوب نشد، ضعف زبان دارم و سه قدم هم نمیتوانم فقط  
این در روز آخر من در سه ام چینی کم شده است. منم این چه میگردی بود که مرا  
اینطور مریض کرد. وضعی هم این بیمار برام گران تمام شد. منم این چه نعمت بزرگی است  
داره که دکتر و دوا را مجاناً است. بار سه روز در بیمارستان ۵۰۰۰۰۰۰۰ دلار

صورت حساب دادند ، البته تعداد ارز آنرا بهیچ سید و ولی هیچوقت تمام نشدند آنرا  
 نخواهند داد . امریکا را نیز لحاظ از تمام مملکت های تمدنی دنیا محسوب است ،  
 در آنجا که صدک هزار دلار در ماه در بیاید و نمیشد آن دولت به اجتماعتی بر آن مبادرت  
 عموم درست گفته ، گمانا که بمسایه مالت مبادرت چنین تهرها دارد . پول دوایم بقدر  
 گران است که هر دانه انداخته آرد ، بهر کار که در اصول نمانع شخصی است ، با درکن گاهی آرد  
 که بیکم رسیده اگر از اینرسی سر به دارن مبردی کند بر مردم چنین به است . کین عدالت  
 حیلی پول دارند و نه دعه حیلی بیشتر حدودیت خواهند داشت از در لحاظ .

رأه بالا فر و کار است آ April ؛ یک tour تازه روزه بروم ایتالیا ،  
 خوبی است و حیلی از شهر ایتالیا را خواهیم دید - فصل های درجه یک و نیم است حیلی  
 خوب . بهمانطور که که رفتی عمیرو است بر این حالت صدنه جگلی کم . حیلی گران تمام شده  
 3,000.00 کجا بار سفر و البته خرج های دیگر هم هست .

رأه جان وضعیت نه در اینست که چه طوره ، بیخ نمیزد وضعی از چه کار است  
 دیدیم آمدنی نه ؟ برایم بنویس .  
 خواهیم دید در بزرگت این چرخ رد اینجی که نیاید و او میخواهد اینجا بماند ، حالی حیلی  
 کمتر است دل البته خوب که نیست .  
 لیلی می خوب است ، سبیلی هم خوب است ولی بهمانطور که باید گفته ام ستمی نیست  
 که بار از راحت نباشم و غصه نخورم . کریم خوب است و میدانم ، اینست حالم در او بود چه  
 نکردم .

ساعت یازده است و میخواهم بار خواب آید شوم ،  
 از قول نم به بیرون دهم در این روز حیلی سلام بران به بریزم بگو اگر روزی وضع مانعی  
 به انگلیسی در است که به بیاید بهیسی ما .  
 برایم سحر تازه بنویس  
 بخار خانم حیات نامه ای که نوشته  
 در این تو مردم  
 مایه